

سروش اصفهانی

-۴-

سروش یکی دوسال در طهران بود و سپس در مصاحبت محمد محسن میرزا سلطانی تبریز رفت و چندی مصاحب و ندیم وی بود و حکام و امرای آذربایجان از قبیل قهرمان میرزا و محمدخان زنگنه امیر نظام را مدح میگفت تا در سال ۱۲۵۱ که ناصرالدین شاه بولیعهدی در آذربایجان استقرار یافت سروش بوسیلهٔ رجالوشاهزادگان نیکخواه درباری خدمت او قرب و منزلت یافت و از مخصوصان دربار وی گردید تا در رکاب او موقع جلوس بر تخت سلطنت (۱۲۶۴) بطهران مراجعت کرد و اقامت او در تبریز چهارده پانزده سال طول کشیده بود.

دوره های زندگی و ممدوحان سروش

سروش حدود ۵۷ سال روزگار گذاشت و قسمتی از عهد سلطنت فتحعلی شاه (۱۲۱۲ - ۱۲۵۰) و تمام دورهٔ محمد شاه (۱۲۵۰ - ۱۲۶۴) و حدود بیست و یکسال از پادشاهی ناصرالدین شاه (۱۲۶۴ - ۱۳۱۳) درک کرد. از این مدت تا حدود ۲۰ سالگی در موطن اصلی خود اصفهان میزیست و بزرگترین ممدوحش سید بیدآبادی بود.

از آن پس که از اصفهان سفر کرد حدود ۱۴-۱۵ سال در تبریز اقامت داشت و در تمام دورهٔ ولیعهدی ناصرالدین شاه در آذربایجان بسر میبرد و حضرت ولیعهد و حکام و پیشکاران و شاهزادگان مقیم آذربایجان را از قبیل محمد محسن میرزا **سلطانی** پسر عبدالله میرزا متخلص بسدارا پسر فتحعلی شاه - و قهرمان میرزا پسر نایب‌السلطنه عباس میرزا که در سال ۱۲۵۱ با پیشکاری محمدخان امیر نظام بجای

فریدون میرزا والی آذربایجان شد - و ابوالفتح فریدون میرزا پسر دیگر عباس میرزا - و بهمن میرزا حاکم آذربایجان - و محمدخان زنگنه امیر نظام پسر علی خان که یک چند پیشکار و چندی خود والی آذربایجان بود - و عزیز خان سردار گل و امثال ایشانرا مدح می گفت ، و شاهزادگان و امرای بزرگ خاصه قهرمان میرزا و محمد محسن میرزا و محمدخان امیر نظام و بهمن میرزا که از ممدوحان معروف سرورش اند در حق وی نیکوییها و مهربانیها فراوان کردند و در تجلیل و تشویق وی سعی کافی بکار بردند ، و چون محمدشاه بتخت نشست و ناصرالدین شاه بولیعهدی در تبریز استقرار یافت سرورش بتوسط همین شاهزادگان و رجال نیکخواه بخدمت ولیعهد راه و در دستگاه وی تقرب بسزا یافت .

از قصاید سرورش در ایام ولیعهدی ناصرالدین شاه در تهنیت عید صیام :

المنة لله که مه روزه تمام است وقت طرب و خرمی و عید صیام است
در ضمن تغزل قصیده می گوید :

از یازده و شانزده نگذشته ترا سال چه وقت صیام است و چه هنگام قیام است

معلوم می شود که سرورش سن ۱۵ و ۱۶ را حد بلوغ و تکلیف شرعی روزه نمی داند ، و این فتوای شاعرانه بر خلاف اجماع فقهای امامیه است .

و نیز از قصاید سرورش متعلق بایام ولیعهدی ناصرالدین شاه باین مطلع آغاز میشود :

خورشید شد خرامان در خانه شرف در بوستان نسیم گل آید ز هر طرف
و در قصیده دیگر خود را مداح دیرینه ولیعهد (ناصرالدین شاه) می خواند
و از وی درخواست ترویج و تربیت می کند تا قصاید نیکوتر و غرائر در مدیح او پیردازد :
خسرو امن بندهات دیرینه مداح مخواه مداح دیرینهات پزمرده و دروا شود
تربیت را ای سحاب مکرمت بر من بیار تا بمدحت شعر من چون لؤلؤ لالا شود
زین سپس بفر تو غرائر همی گویم مدیح گر چه آن مدحی که من گویم همه غر اشود
سرورش در ایام اقامت تبریز منتهی بحر متقارب را در واقعه کربلا و مقتل حضرت سیدالشهدا سلام الله علیه پیرداخت و نزد همه کس مطلوب واقع شد . و نیز تاریخ قاجاریه را از اوائل عهد قاجار تا زمان ناصرالدین شاه با سلوب شاهنامه فردوسی

وشاهنشاهنامه صبا در بحر متقارب برشته نظم در آورد .

اما قسمت سوم زندگانی سروش که دوره کمال پختگی طبع و غایت عزت و اشتها استاد اصفهان است در طهران گذشت .

سروش چنانکه باز نمودیم از آغاز عهد ولیعهدی ناصرالدین شاه در درباروی تقرب و معروفیت داشت و در سال ۱۲۶۴ که ناصرالدین شاه در طهران بسر تخت سلطنت جلوس کرد^۱ در رکاب وی بطهران آمده بود و قصیده تهنیت جلوس را با مطلع ذیل در سلام عام حضور پادشاه فروخواند :

بتخت شاهی بنشست شاه نیک اقبال
خجسته طالع و فرخنده روز و فرخ فال

سروش از سال ۱۲۶۴ تا ۱۲۸۵ که پایان زندگانی اوست در طهران با کمال عزت و اشتها بمداحی پادشاه و وزرا و شاهزادگان و رجال دولت روزگار می گذاشت و در دربار ناصری که بادب پروری و شاعر نوازی تالی دربار غزنوی و سلجوقی بوده قامی ارجمند و پایگاهی بلند داشت . و از طرف آن پادشاه سخن شناس شعر دوست در شاعری بلقب «شمس الشعراء» و در مرثیه دیوانی بلقب «خانی» که از القاب مخصوص امرای درباری بود ملقب ، و برای او وظیفه ماهانه و مستمری سالانه برقرار شد .

سروش در جشنها و اعیاد و ایام رسمی قصیده سلام میخواند و صلوات و جوایز و تشریفات شاهانه او را دلگرم میساخت .

ناصرالدین شاه مکرر صلله های پانصد تومان و هزار تومان بسروش داد و در یکی از جشنها بصله يك قصیده که ظاهراً فتحنامه سرخس و کشته شدن خان خیوه باشد و بحسن مطلع معروفست:

افسر خوارزمشه که سود بکیوان
با سرش آمد دزین مبارک ایوان

بیست هزار اشرفی طلا بوی عطا فرمود و ظاهراً لقب شمس الشعراء را در همین موقع بسروش داد . و تاریخ این واقعه بضبط منتظم ناصری سال ۱۲۷۱ قمری است

۱ - ناصرالدین شاه اول بار در تبریز شب چهاردهم شوال ۱۲۶۴ جلوس کرد و سپس روانه پایتخت شده روز جمعه ۲۱ ذی القعدة وارد طهران گردید و شب شنبه ۲۲ هفت ساعت و ۲۰ دقیقه از شب گذشته جلوس بزرگ روی داد و روز شنبه ۲۲ سلام عام در تالار تخت مرمر انعقاد یافت (منتظم ناصری) .

و در دو سال بعد (۱۲۷۳) لقب خانی برش داده شده^۱ مراحم و عطا یای شاهانه که همواره در حق سرش مبذول میشد مایه حسد و کینه تیزی تنگ چشمان آن روزگار گردید تا بید گوئی از وی مجالس آراستند او را بلا امت و خست طبع و بد گوهری و فرومایگی و لئیم ظفری و امثال اینگونه ناسزاها که نقل مجالس کوتاه نظران و حریمان محروم کوتاه دست است می نگویند و زبان بخت بلند شمس الشعرا می گفت:

شب پره گر وصل آفتاب نخواهد رونق بازار آفتاب نکاهد
سروش همچنان در اوج شهرت و حرمت می زیست تا در سال ۱۲۸۵ هجری قمری بدرود زندگانی گفت

معروفترین ممدوحان سرش علاوه بر پیغمبر اکرم و ائمه و بزرگان دین صلوات الله علیهم اجمعین که بخش عمده از اشعار سرش بنام «شمس المناقب» متعلق بمدایح و مناقب ایشانست عبارتند از:

حجة الاسلام حاج سید محمد باقر بید آبادی - نایب السلطنه عباس میرزا -
محمد شاه - ناصر الدین شاه - میرزا تقی خان امیر کبیر - میرزا آقا خان نوری
صدر اعظم - محمد قاسم میرزا ولیعهد - شاهزاده محمد محسن میرزا سلطانی ابن
عبدالله میرزای دارا - شاهزاده قهرمان میرزا پسر نایب السلطنه عباس میرزا - ابو الفتح
فریدون میرزا پسر دیگر عباس میرزا - شاهزاده بهمن میرزا فرمانفرمای آذربایجان -
رکن الدوله اردشیر میرزا - سلیمان میرزا - حمزه میرزای حشمت الدوله -
عزیز خان مگری سردار کل - محمد خان زنگنه امیر نظام پیشکار آذربایجان -
عماد الدوله امامقلی میرزا - معین الدین میرزا - محمد قلی خان ایشیک آقاسی
پسر الله یار خان آصف الدوله - ابو الفضل محمد اسمعیل خان نوری حاجب دربار -
میرزا داود خان - میرزا کاظم خان نظام الملک .

۱ - در تذکره گنج شایگان مینویسد:

«در سال یک هزار و دو بیست و هفتاد هجری روزی قصیده غرا که

ترکیب لفظ و دقت معنیش نزد عقل سحر است بی مبالغه و حی است بی گمان
بر سرود و در پیشگاه آسمان جاه انشاد نمود در همانروز از آستان مطلی شمس الشعرا
لقب یافت و در سال تجریر این کتاب بلقب خانی که از القاب مخصوص امر است ملتب گشت.
اکنون ملک الشعرا می است بر رسم و مستقل در منصب ولسی بتغییر لقب
سال تحریر کتاب گنج شایگان بطوری که خود مؤلف در خاتمه نوشته ۱۲۷۳ هجری است.